جواز قرائت به نهج عربی با تفکیک فرش القرائات و اصول القرائات

شاگرد: قرآنیت قرآن چگونه ثابت می‌شود؟ اگر قرار باشد در نماز به نهج عربی بخواند قرآن بودن «كُفُوًا» چطور ثابت می‌شود؟

استاد: یکی از چیزهایی که آقا فرمودند و دقیق هم هست، این است: ما حروف داریم و اصول داریم. درحرف القرائات- الحروف بمعنای قرائات- از جاهایی نیست که ما نهج عربی را اجازه بدهیم. این خودش یک نحو ضابطه مند شدن است. یعنی ما در حرف القرائات، سنت مندوبه داریم یا نداریم؟ اصل این است که در اینجا نداریم.

شاگرد: منظورتان فرش القرائات است.

استاد: بله، فرش القرائات که نوعاً بهآن حرف می‌گویند. «تعلّم منه الحروف» یعنی خصوص فرش القرائات. در فرش القرائة این حرف ما نمی‌آید که سنت مندوبه باشد. اما آن چه فعلاً بیشتر عرض من است، در اصول القرائات است. مد چه اندازه‌ای بدهیم؟! خود ابن مسعود می‌گوید. یکی از آقایان تازه فرستاده بودند. خیلی جالب است. خود ابن جزری در کتاب النشر المطالب فی مناقب اسد اللّه الغالب علیه‌السلام می‌گوید من این قرائات را نزد استادم تحقیقاً تجویدا و تحریراً خوانده‌ام. تحریر یعنی سریع خواندن. فضای آنها خیلی عجیب است. یعنی می‌گوید استادم گفت استادم به نحو حدر خواند. تا صحابی می‌رود و می‌گوید حضرت این را برای من به نحو حدر اقراء فرمود. دیگری می‌گوید حضرت این را برای من به نحو تحقیق خواند. یعنی حتی حدر و تحقیق آن را هم تا حضرت می‌برند. فضای آنها این است. می‌گوید استاد می‌گوید همانطوری که استادم خواند می‌خوانم.

لذا ابن مسعود در مرتب مد گفت. راوی خواند و ابن مسعود ناراحت شد. شاید قسم خورد و گفت والله حضرت این کلمه را خواندند مد هفت الفی دادند. گفت تو هم هفت الف مد بده. یعنی حتی در مد هم ابن مسعود حاضر نبود بگذرد.

سخن من در اینجا است: درجایی‌که کلام در اصول القرائت است؛ ابن مسعود ناراحت هم می‌شود. عرض من اینجا است: وقتی حضرت هفت مد دادند، یعنی اگر یک مسلمانی آمد و با سه الف مد خواند، الآن اشتباه خوانده و خلاف سنت عمل کرده؟! عرض من این است که در این اصول...؛ البته نمی‌خواهم بگویم قاعده آن طرفش است. اما مواردی هست که ارتکاز متشرعه اصلاً بائی ندارد که وقتی ابن مسعود ناراحت می‌شود، ناراحت شدن او حمل بر فضیلت است. خُب باباشما شنیده‌ای و راست هم می‌گویی، ولی معنایش این نیست که وقتی حضرت مد هفت الف دادند، چون سنت است غیر آن جایز نباشد.

شاگرد: ظاهراً هنوز معیار ارائه ندادهاید. احتمالاً در ذهن شریفتان این باشد که قرآنیت صدق کند.

استاد: بله، یعنی الآن که گفتم حرف ابن مقسم غلط است...؛ ابن مقسم نمیتواند «حبا» بخواند، و نمیخواند. ابن مقسم قاری مهمی بود. منظور او همین بوده که سند نداریم ولی نهج عربی است.

شاگرد۲: در اصول.

استاد: بله. و الا واضح است که در فرش القرائات اینطور نیست.

شاگرد: یعنی مالک اصلی آن تخفیف است، لکن این تخفیف نباید آن را از نهج عربی خارج کند. نه اینکه نهج عربی باشد و از قول خودمان یک قرائتی درست کنیم.

استاد: بله، یک قرائتی که برای خودش معنایی دارد، تفاوت میکند.

شاگرد: از قرآن بودن در میآید.

شاگرد۲: سؤال این است که اگر «تثبتوا» نداشتیم، و «تبینوا» داشتیم، فرش القرائاتش ثابت است. لذا میتوانستیم در نهج العربی بخوانیم؟

استاد: نه، به گمانم حتی ابن مقسم هم این را نمی گفته. من تفحص نکردهام. چون حرف ابن مقسم با آن تادیب و استتابه فروکش کرد. ولی در شرح حال او گفتهاند وقتی تا چوب فلک آمد، گف التوبه، من دیگر غلط کردهام، میگویم باید همانی را بخوانید که قراء سند دارند. خودمان نمیتوانیم بدون سند بخوانیم. بعد در شرح حالش نوشتهاند که به شاگردانش آهسته گفته بود نظر من همان است و توبه نکردم! تقیه بود.

شاگرد: در حد امله و مد مرادِ است. یعنی در اصول، حرکات هم نمیتوان این کار را کرد. چون در «عبد الطاغوت» مرحوم شیخ و طبرسی صریحاً میگویند تنها دو وجه را باید خواند. هشت وجه میتوان خواند ولی تنها دو وجهش صحیح است و بقیه آنها را نباید خواند.

استاد: بله، این را علماء شیعه میگویند. مرحوم شیخ در تبیان چندین جا میگویند که نمیتوان این قرائت را خواند. چرا؟ چون مبنای شیعه این است که «لایجوز ان یقراء به»، ولی اهلسنت در اینجا اختلاف دارند.

شاگرد: فرمایش شما در اینجا هم میآید یا در حد امله و مد و اشمام است؟

شاگرد۲: مبناءا میآید ولی ممکن است که موردا قبول نکنید.

شاگرد: مبناءا هم نمیآید.

شاگرد۳: تخفیفی که معنا را عوض نکند و از نهج عربی خارج نشود.

استاد: بله، نباید معنا را عوض کند. اگر معنا دخالت کرد فرش القرائه میشود. فرش القرائه که ربطی به اصول ندارد. اصل نحوه ادا یک کلمه است بدون اینکه معنا عوض شود. در فرش الحروف اینطور نیست. آن جا سنت واجبه است. چرا؟ چون دارید معنایی را به خدا نسبت میدهید. و حق ندارید واژه آن را عوض کنید. اما در نحوه ادا هم خیلی جاها سنت واجبه است، اما مواردی هست که راتکاز کل متشرعه معیت میکند که در آن موارد جایز باشد. ولذا از وجه شاهد آوردم. وجه یعنی چه؟

یعنی خود قرائ هم میگویند در اینجا سند ارائه نمیکنیم. شاهد آوردم.

شاگرد: این وجه هایی که میگویید بیش از تفاوتهای تلفظی است. مثلاً ممکن است یک اعرابی باشد. ممکن است در«عبد الطاغوت» یکی از آنها وجه باشد.

استاد: معنا تغییر میکند یا نه؟

شاگرد: تغییر میکند اما تغییری میکند که با آنها سازگار است.

شاگرد۲: آن راتکاز در اینجا نمیآید.

شاگرد: راتکاز نمیآید میخواهم فضا را بگویم. ممکن است روی تکتک مصادیقش بحث شود اما کلی آن ممکن است که هم معنای درستی باشد و هم مطابق باشد و هم با قواعد عربی سازگار باشد، درعینحال ممکن است که درست باشد.

بازبینی #1
ایجاد شده 22 آوریل 2026 12:40:05 وسط ... .
به روزرسانی شده 22 آوریل 2026 12:43:51 وسط ... .